# حجت الاسلام والمسلمین حسینی قمی – سیره تربیتی امام علی(ع)- - غدیر

حجت الاسلام والمسلمین حسینی قمی – سیره تربیتی امام علی(ع)- غدیر

برنامه سمت خدا

موضوع برنامه: سیره تربیتی امام علی(ع)- غدیر

کارشناس: حجت الاسلام والمسلمین حسینی قمی

تاریخ پخش: ۲۳-۰۶-۹۵

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

سلام می‌کنم به همه شما هموطنان عزیزم. بیننده‌ها و شنونده‌های خوب و نازنین‌مان. آرزو می‌کنم :شریعتی در هر کجا که هستید بهترین‌ها نصیب شما شود. عید قربان هم بر شما مبارک باشد، انشاءالله همه آماده شویم برای برپایی هرچه باشکوه‌تر عید غدیر. امروز در خدمت حاج آقای حسینی قمی هستیم. سلام علیکم خیلی خوش آمدید.

حاج آقا حسینی: عرض سلام خدمت همه بینندگان و شنوندگان برنامه سمت خدا دارم. انشاءالله دهه ولایت بر همه عزیزان مبارک باشد.

:شریعتی

می‌خواهم از کسی بسرایم که آفتاب *** خلوت نشین سایه‌ای از ذوالفقار اوست

آن راز گونه‌ای که در عالم هرآنچه هست *** یا نیست یا همیشه‌ترین وام‌دار اوست

امروز هم می‌خواهیم از غدیر و از امیرالمؤمنین بشنویم.

حاج آقای حسینی: یکی از علمای بزرگ اهل سنت نسائی هست. حتماً مستحضر هستید کتاب‌های حدیثی ایشان معروف به صحیح، یا سنن یا مسند است. مثل صحیح مسلم، صحیح بخاری، سنن ابن ماجد، از جمله سنن نسائی یکی از کتاب‌های بسیار مهم حدیثی اهل سنت است. صاحبش نسائی هست تقریباً هزار و دارد. «صد و پنجاه سال از وفاتش می‌گذرد. یک کتابی به نام «خصایص امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب

ویژگی‌های امیرالمؤمنین(ع) را در این کتاب نوشته است. وقتی این کتاب را نوشت، بعضی‌ها به او اعتراض کردند و گفتند: چرا در مورد علی نوشتی، چرا در مورد دیگران ننوشتی؟ این اولین قلم و کتابش در مورد علی بن ابی طالب بود. گفت: «دخلت دمشق» من به شهر شام و دمشق رفتم، «و المنحرف عن علی بها کثیر» (عبقات الانوار/ج۱۲/ص۱۶۷) شام مرکز تبلیغات بنی امیه علیه امیرالمؤمنان و اهل بیت بود. آثار این تبلیغات مانده بود. این حرف‌ها برای قرن سوم است و فاصله زیادی نشده بود. فرمود: من شام رفتم دیدم تبلیغات علیه ابی طالب کار کرده و اثر کرده است. «فصنّفت» من این کتاب را نوشتم. «رجوت أن یهدیهم اللّه» خدا به برکت کتاب آنهایی را که علی را نمی‌شناسند، هدایت کند.

الآن در روزهای دهه ولایت هستیم. اگر یک عالم بزرگ مثا نسائی از اهل سنت می‌بیند علی ابن ابی طالب مظلوم است و یک کتاب می‌نویسد برای اینکه حضرت نزد شامی‌ها شناخته شود، تقریباً نزدیک به دویست حدیث هم در این کتاب آورده است. من می‌خواهم بگویم: ما برای هدایت دیگران چه کردیم؟ اگر کسی می‌خواهد به مکتب اهل‌بیت خدمتی کند، الآن زمانش است. به هر نحوی هم می‌تواند باشد. مجلس بگیرند. عیدی بدهند. اطعام کنند. کتاب هدیه بدهند. همه اینها می‌تواند باشد برای اینکه مردم را با امیرالمؤمنین آشنا کنند.

می‌گویند: کسی به یک جمله معروفی از یکی از علمای بزرگ است. شاید از علامه شرف الدین باشد. ایشان گفته بود: چرا شیعیان روز عاشورا دسته عزاداری در کوچه و بازار می‌آورند؟ بنشینید یک جایی در خانه‌هایتان عزاداری کنید. چرا سر و صدا و فریاد می‌کنید؟ ایشان فرمود: ما در غدیر عَلَم و کتل و فریاد و دسته و شادی نداشتیم. کم کم به مرور زمان غدیر به فراموشی سپرده شد. آن تأثیری که باید غدیر داشته باشد، نگذاشت. می‌ترسیم اگر در عاشورا این کار را نکنیم، به فراموشی سپرده شود. اگر این تجلیلی که مردم نسبت به سید الشهداء دارند، به این شدت نبود، قطعاً تأثیرگذار نبود.

اگر ما در مورد غدیر در طول سال صحبت کنیم، باز کلام غدیر تمام نمی‌شود. ما در داستان غدیر سخن برای گفتن فراوان داریم. اولاً می‌دانید تنها حجی بوده که پیامبر خدا بعد از هجرت مشرف شدند. حجة الوداع است. دوم اینکه در تاریخ هست پیامبر خدا وقتی می‌خواستند برای این حج راه بیافتند، پیک می‌فرستادند به تمام مناطق، که این سفر با من بیایید. پیامبر یک دعوت عمومی کردند. اینکه می‌گویند: در غدیر جمع فراوانی حضور داشتند، دلیلش همین است. یعنی پیک می‌فرستادند که در این سفر با

من بیایید. سوم اینکه حضرت چهار روز به پایان ماه ذی‌القعده پیاده راه افتادند. سواره نبودند. غسل کردند و عطر زدند و پیاده از مدینه به مکه راه افتادند. نکته چهارم اینکه حضرت اهل بیتشان را دعوت کردند. از همه مهاجرین و انصار خواستند و اینها را همراه خودشان بردند. در هنگام بازگشت فراوان شنیدیم که هر گروهی از یک طرف می‌رفتند. حضرت آنجا توقف کردند فرمودند: آنهایی که رفتند برگردند. آنهایی که هستند بمانند. مردم را سه روز در آن گرمای سوزان نگه داشتند.

خدا رحمت کند، این عبارت برای مرحوم امینی(ره) است. شما یک نمونه دیگر مثال بزنید. یک حکم و یک قانون دیگر اسلام را پیامبر در این فضا اعلام کرده باشد. معمولاً آیه‌ی نماز می‌آمد، پیامبر در مسجد بود آیه حج می‌آمد و هر آیه‌ای می‌آمد، دستور حجاب و زکات می‌آید، آیه بر حضرت نازل می‌شد و پیغمبر می‌فرمود: ایها الناس! این آیه بر من نازل شده است. اما کجا با این مقدمات و تشریفات و تشکیلات اینطور راه بیافتد و مردم را در مسیر بازگشت نگه دارد؟

اگر بخواهیم از راه قرآن وارد ماجرای غدیر شویم، سخن فراوان است. حدیث بخواهیم وارد شویم فراوان است. من بحث را در سه بخش مطرح می کنم. یک سلسله از آیات قرآنی مباحث را مطرح می کنم. یک در بخش قرآنی تعبیری برای مرحوم علامه .سلسله مباحث حدیثی و یک سلسله هم مباحث عقلی است شرف الدین(ره) است. می‌فرماید: «و انزل فیه قرآنا یرتله المسلمون اناء اللیل و أطراف النهار» (ادب الطف/ج۳/ص۱٤٤) آیاتی در قرآن نازل کرد که وقتی مردم صبح و شب این آیات را می‌خوانند باید یاد غدیر بیافتند. یاد قصه امیرالمؤمنین(ع) بیافتند. از جمله آیه سوم در سوره مبارکه مائده است.

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ » -الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» قرآن روزی را با چهار ویژگی معرفی می کند. ۱» كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» (مائده۳/) امروز دیگر کفار نا امید شدند. ۲- «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ» دیگر از ما نگران نباشید. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» ۳- «وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» ٤- «وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً» ما باید روزی را در تاریخ اسلام پیدا کنیم که این چهار ویژگی درونش باشد. این تفسیر دُرّ المنصور برای ملا جلال الدین سیوطی هست. تقریباً برای ششصد سال پیش است. مهم‌ترین تفسیر حدیثی اهل سنت است. من ذیل همین آیه، حدیث بخوانم.

از ابی سعید خدری نقل می کند «قال لما نصب رسول الله علیاً یوم غدیر خم» روز غدیر خم وقتی پیامبر علی(ع) را نصب کرد، «فنادی بالولایه» ولایت امیرالمؤمنین را اعلام کرد. جبرائیل این آیه را آورد. «الیوم

«اکملت لکم دینکم

حدیث دوم: باز «لما کان یوم غدیر خم» چه روزی بوده است؟ «یَوْمَ ثَمَانِ عَشْرَةَ مِنْ ذِی الْحِجَّةِ» فَأَنْزَلَ اللَّهُ : »هجدهم ذی الحجه. «مَنْ کُنْتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ» وقتی قصه غدیر را پیامبر اعلام کرد، «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ

حدیث سوم: باز این حدیث هم وقتی «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ» را نقل می کند، که وقتی این آیه نازل هجدهم ذی الحجه است. دوازده روز برای ماه ذی الحجه .شد، پیامبر ۸۱ روز دیگر بیشتر زنده نبود اهل سنت می گویند: وفات پیامبر دوازده ربیع الاول است. دو هفته بعد از !است. محرم، صفر، ۲۸ صفر تاریخی که ما می گوییم. شما از هجده ذی الحجه تا دوازدهم ربیع را حساب کنید، چه روزی می‌شود؟ دقیقاً می گوید: ۸۱ روز بعد از این پیامبر از دنیا رفت. اگر پیامبر ۸۱ روز بعد از این دنیا رفته است، یعنی ۱۲ ربیع را به عقب برگردید، می‌شود ۱۸ ذی الحجه. یعنی اینطور نبوده که بگوییم: آقا یک داستان .دیگری بوده است. یک چیز دیگری بوده است

ذیل همین آیه است. «قالت الیهود» یهودی‌ها، «قالت الیهود لعمر» نوشته یهود .یک حدیث دیگر باز اشاره کنم نزد خلیفه دوم آمدند، «قالت الیهود لعمر لو علینا معشر یهود نزلت» اگر این آیه بر ما نازل شده بوده، یهودی‌ها دنبال این بودند که چه روزی است، باید («لاتخذنا ذلک الیوم عیدا» (صحیح مسلم/ج۸/ص۲۳۸ پیدایش کرد. گفتند: کدام آیه است؟ فرمودند: «الیوم أکملت لکم دینکم وأتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا» فرمود: به خدا قسم می‌دانیم آن روز، چه روزی است؟ باید یک روزی با این چهار پیامبر به دنیا آمد کفار مأیوس شدند. آیه می‌تواند روز .ویژگی باشد. آیا می‌تواند روز ولادت پیامبر باشد؟ نه بعثت پیامبر باشد؟ اول دعواها با بعثت پیامبر بود. روز هجرت پیامبر باشد؟ در مکه ده سال اینقدر اذیت و آزار برای پیامبر داشتند. چه روزی را باید پیدا کنیم؟ غیر از روز غدیر چه روزی می‌تواند باشد؟ «عشیة عرفة فی یوم الجمعة» (صحیح مسلم/ج۸/ص۲۳۸) این دیگر برای روز عرفه است. قضاوت با خود روز عرفه چه روزی است؟ صدها هزار، میلیون‌ها مسلمان داریم. جمع اندکی را فرض .بینندگان باشد کنید در صحرای عرفات عبادت می کنند. این با «الْیَوْمَ یَئِسَ الَّذِینَ کَفَرُوا» چه ارتباطی دارد؟

نکته دیگر اینکه باز تاریخ بغداد است، وفاتش ٤٦٣ است. حدود هزار سال پیش است. وقتی به داستان غدیر می‌رسد حدیثی نقل کرده است. «مَنْ صَامَ یَوْمَ ثَمَانِ عَشْرَةَ مِنْ ذِی الْحِجَّةِ» کسی که روز

هجدهم ذی الحجه روزه بگیرد، «کُتِبَ لَهُ صِیَامُ سِتِّینَ شَهْرًا» ثواب شصت سال روزه دارد. «وَهُوَ یَوْمُ غَدِیرِ خُمٍّ لَمَّا أَخَذَ النَّبِیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ بِیَدِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ، فَقَالَ: أَلَسْتُ وَلِیَّ الْمُؤْمِنِینَ؟ قَالُوا: بَلَی یا رَسُولَ اللَّهِ، قَال: «مَنْ کُنْتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ»، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: بَخٍ بَخٍ لَکَ یَابْنَ أَبِی طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلایَ وَمَوْلَی کُلِّ مُسْلِمٍ» خلیفه دوم آمد تبریک گفت و گفت: تو از امروز دیگر مولای من و مولای همه .فَأَنْزَلَ اللَّهُ: الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ» این هم یک حدیث از تاریخ بغدادی است» .مسلمان‌ها هستی

باز کتاب دیگر از فضایل احمد حنبل است. ایشان سال ٦٤ متولد شده است. هزار و سیصد سال پیش است. «کنا مع رسول الله (ص) فی سفر» ما با پیامبر بودیم. «فنزلنا بغدیر خم» به غدیر خم رسیدیم. «فنودی فینا الصلاة جامعة» حضرت صدا زد که برای نماز جماعت بیایید. زیر درختی یک جایی را برای پیامبر تمیز دست علی را گرفتند. «فقال: الستم تعلمون انی «کردند، حضرت نماز ظهر را خواندند. «اخذ بید علی بلی. قال: :اولی بالمؤمنین من انفسهم؟قالوا: بلی قال: الستم تعلمون انی اولی بکل مؤمن من نفسه؟ قالوا فاخذ بید علی فقال: من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. قال فلقیه عمر بعد ذلک فقال: هنیئا یا ابن ابی طالب اصبحت و امسیت مولی کل مؤمن و مؤمنه» (حدیث ١٧٧٤٩، مسنداحمد)

روایت خیلی عجیب است. این کتاب اسمش فضایل الصحابه است. که در مورد همه اصحاب نوشته است. .جلد اول این کتاب کامل در مورد خلیفه اول و دوم و سوم است

باز نقل می کند که پیامبر خدا به امیرالمؤمنین فرمود: «أنت منی بمنزلة هارون من موسی إلا أنه لا نبی بعدی» (کتاب فضایل الصحابه) حدیث منزلت است. حدیث کساء هست. حدیث آیه تطهیر است. حدیث .ثقلین است. ما می‌خواهیم قرآنی و حدیثی و عقلی باشد

آیه ٦٧ سوره مائده می گوید: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ» ما باید تفسیر کنیم. این چه اتفاقی است که «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ» یعنی ٢٣ سال زحمت هیچ ارزشی ندارد؟ پیامبر ٢٣ سال زحمت کشید، اگر این کار را نکند، همه زحمت‌ها از بین می‌رود؟ «وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ» من دیدم بعضی‌ها «فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ» را معنا کردند یعنی همین رسالت را ابلاغ نکردی. این معنی ندارد! نه در همین تفسیرهایی که خواندم، «فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ» تصریح شده است. یعنی همه رسالت ٢٣ ساله! این چه مأموریتی است که اگر نگویی همه رسالت از بین می‌رود. پیامبر از چه

وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاس» نگران نباش ما محافظ تو هستیم؟ » :می‌ترسد که می گویند

در درّ المنصور ملا جلال الدین سیوطی هست. یکی از ابی سعید خدری است. «نزلت هذه الآیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک علی رسول الله یوم غدیر خم فی علی بن ابی طالب» این ابهامی ندارد و ترجمه هم نمی‌خواهد. حدیث بعدی از ابن مسعود است. «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک عن علی مولی المؤمن و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس

آیه سوم در سوره مبارکه معارج است. «سئل سائل بعذاب واقع» یک کسی آمد به پیامبر گفت: یا رسول لِلْکافِرِینَ لَیْسَ لَهُ دافِعٌ» (معارج/۲) این آقا چه عذابی » .الله! از پیامبر تقاضا کرد، بر من عذاب نازل شود می‌خواسته است؟ در تفسیر دار القرطبی هست. وفاتش ۶۷۱ بوده، حدود نهصد سال پیش بوده است. «إِنَّ السَّائِلَ هُنَا هُوَ الْحَارِثُ بْنُ النُّعْمَانِ الْفِهْرِیُّ وَذَلِکَ أَنَّهُ لَمَّا بَلَغَهُ قَوْلُ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فِی عَلِیٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ» حارث بن نعمان، وقتی شنید که پیامبر فرمود: «مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ رَکِبَ نَاقَتَهُ فَجَاءَ» بلند شد خدمت پیامبر آمد. «حَتَّی أَنَاخَ رَاحِلَتَهُ بِالْأَبْطَحِ ثُمَّ قَالَ: یَا مُحَمَّدُ، أَمَرْتَنَا عَنِ اللَّهِ أَنْ نشهد أن لا إله إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ» شهادتین را گفتی ما قبول کردیم. «فَقَبِلْنَاهُ مِنْکَ، وَأَنْ نُصَلِّیَ خَمْسًا» پنج وعده نماز بخوانیم، قبول کردیم «وَنُزَکِّیَ أَمْوَالَنَا فَقَبِلْنَاهُ مِنْکَ» زکات بدهیم، قبول کردیم. «وَأَنَّ نَصُومَ شَهْرَ رَمَضَانَ» روزه به اینها هم راضی «بگیریم، قبول کردیم. «وَأَنْ نَحُجَّ فَقَبِلْنَاهُ مِنْکَ» حج برویم، قبول کردیم. «ثُمَّ لَمْ تَرْضَ بِهَذَا نشدی. «حَتَّی فَضَّلْتَ ابن عمک علینا» پسرعمویت را بر ما ترجیح دادی؟ «أفهذا شی مِنْکَ أَمْ مِنَ اللَّهِ؟!» وَاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا هُوَ إِلَّا مِنَ ) :قصه غدیر برای خودت و خداست. «فَقَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ برای من نیست، برای خداست. «فَوَلَّی» برگشت، گفت: «اللَّهُمَّ إِنْ کَانَ مَا یَقُولُ مُحَمَّدٌ حَقًّا فَأَمْطِرْ «اللَّهِ عَلَیْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ» اگر این راست می گوید، عذاب بر من نازل می‌شود، من نباشم و نبینم. «أَوِ ائْتِنَا به مرکبش نرسید، «فَوَاللَّهِ مَا وَصَلَ إِلَی نَاقَتِهِ حَتَّی رَمَاهُ اللَّهُ بِحَجَرٍ» .بِعَذَابٍ أَلِیمٍ» عذاب بر من نازل کن عذاب بر او نازل شد و از بین رفت. «فَوَقَعَ عَلَی دِمَاغِهِ فَخَرَجَ مِنْ دُبُرِهِ فَقَتَلَهُ، فَنَزَلَتْ: سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ» (تفسیر دارالقرطبی/ج۱۸،ص۲۷۸) آیه‌ی سوم سوره مائده را بدون تعصب معنا کنید. آیه ۶۷ سوره مائده را بدون تعصب معنا کنیم و تفسیر کنیم. آیات اولیه سوره معارج را تفسیر کنیم بدانیم با چه چیزی قابل تطبیق است.

گاهی می گویند: «این من کنت مولاه» این چیزی که شما می‌خواهید از این در نمی‌آید. این حدیث برای

«بشارت المصطفی عماد الدین طبری» قرن ششم است. از امام صادق پرسیدند: منظور پیامبر از «من کنت مولاه» چه بود؟ روایت این است. امام صادق نشستند، فرمودند: به خدا قسم این سؤال از پیامبر پرسیده شد. پیامبر فرمود: خدا مولای من و صاحب اختیار من است. من در برابر خدا هیچ اختیاری از خودم ندارم. من اولی به مؤمنین و مسلمان‌ها هستم، آنها در ارتباط با من هیچ اختیاری از خودشان ندارند. هرکس که من مولای او هستم و در ارتباط با ولایت من هیچ اختیاری از خودش ندارد، آن رابطه‌ای که خدا با من دارد، من با مؤمنین دارم، همین رابطه را علی هم دارم. دیگر نمی‌شود توجیه کنیم، بگوییم: نه، علی را دوست داشته باشید. سه روز مردم را در گرمای سوزان، در تاریخ هست که از شدت گرما نیمی از عبا را زیر پا و نیمی دیگر را روی سر می‌انداختند. شما همه این نشانه‌ها را کنار هم بگذارید و بعد بگویید: نه قصه دوستی امیرالمؤمنین است. علی را دوست داشته باشید. تا به حال نباید علی را دوست داشته باشید؟ این همه آیات و حدیث و پیمان گرفتن از مردم فقط در همین حد است. همه اینها برای این است که فقط علی را دوست داشته باشید؟

قصه غدیر که تمام شد حسان بن ثابت به پیامبر فرمود: آقاجا اجازه می‌دهید قصه غدیر را به عنوان شعر دربیاورم؟ یک شعرش این است. «فقال له قم یا علی فاننی رضیتک من بعدی اماما و هادیا» علی بلند شو، تو بعد از من امام مردم هستی. دوستش داشته باشید و محبت کنید، این مقدمات و بیا و برو را احتیاج نداری. این باز تفسیر فخر رازی است. خدا آیت الله معرفت را رحمت کند، استاد ما بود. گفتم: در میان اهل سنت نسبت تفسیر فخر رازی با بقیه تفاسیر اهل سنت چیست؟ ایشان فرمودند: تمام مفسرین اهل سنت که بعد از فخر رازی آمدند، بدون استثناء مهمان سفره فخر رازی هستند. کما اینکه در تفسیر ما همه مهمان تفسیر تبیان شیخ رازی هستند. مجمع البیان هم باز مهمان شیخ طوسی هستیم. «وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً» (بقره/۱۲۴) در حدیث می‌فرماید: مردم همه باید به امام اقتدا کنند. اگر بنا باشد از امام گناه صادر شود، ما باید در معصیت هم از او پیروی کنیم. اگر خدا گفت: از یک نفر سربسته پیروی کنید، اگر او معصوم نباشد، امکان ندارد. آقا این را الگو بگیرید، «إِنِّی ما حرفمان این است در امامت حتماً باید امام معصوم .جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً» این حتماً باید معصوم باشد امام :باشد. این تعبیر ایشان است. ابراهیم من تو را نصب می کنم. من تو را قرار می‌دهم. این آیه می گوید نصب خدا راه امامت :فقط نصب خداست. ولی این آیه نمی گوید: فقط با نصب خدا نیست. می گوید

.فقط خدا تعیین کند. نه دیگران هم می‌توانند :است. اما شاید راه دیگری هم داشته باشد. این آیه نگفته یک بحث عقلی داریم، غیر از بحث قرآنی و حدیثی است. ولادت صحیح مسلم سال ۲۰۶ است. ۱۲۵۰ سال در کتاب الاماره، باب الاستخلاف، اینکه آدم باید بعد از خودش کسی را وصی و جانشین .پیش است داشته باشد یا نه؟ حدیث از عبدالله بن عمر هست. عبدالله بن عمر فرزند خلیفه دوم است. می گوید: یک روز خانه آمدم، نزد خواهر آمدم. پدرم در بستر بیماری بود که به مرگش منجر شد. خواهرم به من گفت: خبر داری پدرت در بستر بیماری است. بنا ندارد کسی را بعد از خودش، خلیفه تعیین کند. عبدالله گفت: نه این کار را نمی کند. عبدالله قسم خورد که با او صحبت می کنم یک کسی را تعیین کند. آن شبی که بر من تا فردا صبح گذشت، که بروم با پدر صحبت کنم. مثل اینکه کوه دستم بود. وقتی فردا رفتم، او رابطه بین پدرش و مردم بود. از احوال و اوضاع مردم سؤال کرد. من گفتم: مردم می گویند، حرفی می‌زنند که قسم خوردم به شما بگویم. مردم خیال می کنند که شما بعد از خودت نمی‌خواهی کسی را تعیین کنی. اگر شما یک چوپانی داشتی که صد تا، دویست تا، پانصد تا گوسفند در آن قرار داده بودی، گوسفندان را وسط بیابان رها می کرد و پیش شما می‌آمد، شما به او دعوا می کردی .و می گفتی: این کارت اشتباه است

خدا مرحوم آیت الله مشکینی(ره) را رحمت کند. یک استدلال خیلی ساده است ولی بسیار محکم است. ایشان در نماز جمعه قم می‌فرمودند: اصلاً کاری به کتاب و سنت نداریم. پیامبر چیزی نگفت و باشد ما هم قبول داریم. خوب بنا شد مردم چه کنند. .غدیر نبود. پیامبر چه کار کرد؟ سکوت کرد خوب مردم خودشان انتخاب کنند. خلیفه اول را شما انتخاب کردید، به اجماع مسلمان‌ها، پس پیامبر سکوت کرد و شما به اجماع خلیفه اول را انتخاب کردید. خلیفه دوم چه؟ خلیفه دوم توسط خلیفه اول بالاخره کدام یک از اینها دستور پیامبر است. .انتخاب شد. سومی چه شد؟ سومی را به شورا واگذار کرد می‌دانید که خلافت خلیفه دوم سه سال طول کشید. در این سه سال خلیفه تعیین کرد. چطور پیامبر .در این ۲۳ سال کاری نکرده باشد؟ یعنی درایت پیامبر کمتر بود. هرگز اینطور نبود

.شریعتی: امروز صفحه ۳۳۷ قرآن کریم آیات ۳۹ تا ٤٦ سوره مبارکه حج برای شما تلاوت می‌شود

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ «۳۹» الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا » أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا

اسْمُ اللَّهِ كَثِيراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ «٤٠» الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ «٤١» وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عادٌ وَ ثَمُودُ «٤٢» وَ قَوْمُ إِبْراهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ «٤٣» وَ أَصْحابُ مَدْيَنَ وَ كُذِّبَ مُوسى فَأَمْلَيْتُ لِلْكافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ «٤٤» فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها وَ هِيَ ظالِمَةٌ فَهِيَ خاوِيَةٌ عَلى عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ «٤٥» أَ فَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِها أَوْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها «فَإِنَّها لا تَعْمَى الْأَبْصارُ وَ لكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ «٤٦

ترجمه: به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع وجهاد داده شده است والبتّه خداوند بر یاری آنان قادر است. (مظلومان مورد تهاجم.) کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز این که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتا بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و (است و اگر خداوند (ظلم و تجاوز کنیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود ویران می گردد، و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است. کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به اگر تو (!خوبی‌ها دعوت می کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند، و پایان همه‌ی امور برای خداست. و (ای پیامبر را تکذیب می کنند (نگران مباش، زیرا) قوم نوح و عاد و ثمود نیز که قبل از اینها بودند، انبیا را تکذیب کردند. و قوم ابراهیم و لوط (نیز پیامبرشان را تکذیب کردند). ومردم (منطقه‌ی) مَدْیَن، انبیای خود را تکذیب کردند، موسی (نیز) مورد تکذیب مردم قرار گرفت، پس به کافران مهلت دادم (و همین که در غفلت غرق شدند) آنان را (با قهر خود) گرفتم، پس چگونه خواهد بود عذابی که برای آنان مجهول و مبهم است (و نمی‌توانند عمق آن را بفهمند)؟ پس چه بسیار از (شهرها و) آبادی‌هایی که ستمگر بودند و آنها را هلاک کردیم، پس (دیوارهای) آن بر سقف‌هایش فرو ریخت، (نخست سقف‌ها ویران شد، و بعد ، متروکه و چه بسا قصرهای بلند (و (دیوارها و پایه‌ها بر روی سقف‌ها سقوط کرد). و چه بسیار چاه (پر آب محکمی که بی‌ساکن یا مخروبه شد). آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البتّه چشم‌های آنان کور نیست، لکن

.دل‌هایی که در سینه دارند نابینا است

.شریعتی: والحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آل الطاهرین